

## معرفیهای اجمالی

### الإلهیات علی هدی الکتاب و السنّة و العقل

محاضرات الأستاذ الشيخ جعفر سبحانی، به قلم الشيخ حسن محمد مکی العاملی. (قم، منشورات المركز العاملی للدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۱). ج ۲، ۴۸۰+۲۰۱ ص، وزیری.

این کتاب تحریر و تقریر مجموعه در سها و بحثهای دانشمند معظم، جناب آقای شیخ جعفر سبحانی است که به

اتگیزه پیرایش علم کلام از مباحث ناسودمند و تدوین مباحث لازم و تعمیق و تدقیق در شیوه بحث و استنتاج، تدریس و تألیف شده است. کتاب با مقدمه ای از آقای سبحانی آغاز می شود که در ضمن آن از چگونگی مباحث کلامی، ضرورت پرداختن بدان و لزوم تنقیح و تحریر مباحث آن و ویژگیهای این کتاب، سخن رفته است. آنگاه فصل اول کتاب است با بحث از حقیقت دین، ریشه های فطری آن، نقش دین در زندگانی انسان، شناختهای برتر و ... در فصل دوم کتاب راههای شناخت خداوند به بحث گذاشته شده و از برهان نظم، برهان امکان و برهان حدوث ماده به تفصیل سخن رفته است. فصل سوم با عنوان «الأسماء و الصفات» به تقسیم صفات الهی پرداخته و شیوه صحیح بحث در این زمینه را ارائه می دهد. مؤلف در باب اول، به تفصیل از صفات ثبوتی ذاتی بحث کرده و اندیشه های گونه گون را در این باره به دایره نقد ریخته و سره

از ناسره را نمایانده است. آنگاه باب دوم است با بحث دقیق و دراز دامنی از صفات ثبوتی فعلی. در این باب، ذیل عنوان «الحکمه» ضمن تبیین دقیق «حکیم» به تفصیل از حسن و قبح عقلی و دیدگاههای گونه گون در این زمینه بحث شده است. باب چهارم عهده دار بحث از صفات سلبی است که در ضمن آن به توحید و ابعاد آن و مسأله رؤیت رسیدگی شده است. و در خاتمه بحث صفات از توقیفی بودن اسماء الهی گفتگو شده است. سپس بحث قضا و قدر است و مسائل مربوط به آن، و در فصلی دیگر بداء و مباحث متعلق به آن و سرانجام در فصل ششم از مبحث مهم عدل الهی و افعال عباد به تفصیل سخن رفته و مسائل مربوط به افعال: جبر، اختیار، امرین الأمرین با دقت مورد ارزیابی قرار گرفته است. این فصل، از فصول قابل توجه کتاب است و مباحث آن از ریشه یابی دقیقی برخوردار است. در پایان این بحث به تبیین دقیق معنای سعادت و شقاوت پرداخته اند و در نهایت از مبحث هدایت و چگونگی آن سخن گفته اند.

این کتاب، پیشتر در بیروت به چاپ رسید و در ایران به گونه افست منتشر شد. اقبال شایسته جستجوگران معارف الهی باعث شد که چاپهای اول و دوم آن به زودی تمام شود. اینک جلد اول آن با بازنگری و افزودنیهای اندک با فهارس فنی و کارآمدی مانند: فهرست آیات، احادیث، اشعار، اعلام، فرقه ها، آئینها، قبایل، تبارها، اماکن، وقایع و حوادث به شکلی زیبا و چشم نواز منتشر می شود. ما توفیق مؤلف و مقرر را در سامان بخشیدن به بحثهای کلامی و اعتقادی از خداوند متعال خواستاریم.

### معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی

محمد حکیمی. (مشهد،

بنیاد پژوهشهای آستان

قدس رضوی، ۱۳۷۰)

۴۴۷ ص، وزیری.

جامعه علمی ما اکنون با مجموعه گرانسنگ و عظیم النظریر الحیة آشناست و می داند که چهار جلد از شش مجلد آن ویژه امور مالی، اقتصادی و معیشتی است؛ (حوزه، شماره ۲۸،

معیارهای اقتصادی  
در تعالیم رضوی

نائب  
محمد حکیمی

ص ۱۸۶؛ آینه پژوهش، شماره ۲، ص ۸۲-۸۳؛ برای آشنایی بیشتر با الحیة - به ویژه چهار مجلد یاد شده - رك: مقدمه گردانیده فارسی آن، ج ۱؛ گزارشی درباره الحیة، ج ۳-۶، محمدرضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، (۱۳۶۸). مؤلفان افزون بر ترجمه این مجموعه ارزشمند، در اندیشه تفسیر آن نیز بوده اند که متأسفانه تاکنون انجام نیافته و یا منتشر نشده است. به هر حال آنچه اینک مورد گفتگوست، تفسیر بخشی از مجلدات چهارگانه آن است؛ یعنی تبیین و تفسیر کلمات و روایات اقتصادی حضرت رضا - علیه السلام - برگرفته از الحیة.

کتاب با مقدمه ای آغاز می شود که در ضمن آن از انسان، اختیار و آزادی او و نیز معیارهای اقتصادی از منظر علی بن موسی الرضا - علیه السلام - سخن رفته و شیوه تدوین کتاب و چشم انداز نهایی آن روشن گشته است. آنگاه بخش اول است درباره مالکیت و اقسام آن، و سپس بخش دوم درباره حدود و شرایط مالکیت. بخش سوم عهده دار تبیین پدیده فقر است و بخش چهارم در جهت تبیین علل و عوامل فقر. در بخش پنجم چگونگی مبارزه اسلام با فقر، تبیین شده است، و در بخش ششم از کار در نظام تکوین و حوزه دین و نظام تشریح سخن رفته است. بخش هفتم تعاون و مددکاری اجتماعی است و بخش هشتم اخوت اسلامی و خاستگاه اقتصادی آن. سپس بخش نهم است که بسیار حساس و خواندنی است با عنوان «مسئولیت دولت». در این بخش در پرتو تعالیم سپیده گشای رضوی و معارف آفتابگون اهل البیت در ضمن ده فصل از مسائل مهمی سخن رفته است. برخی از عناوین آن چنین است: نقش حیاتی حکومت، امام میزان در جامعه، میزان و تعادل اقتصادی، رابطه توازن اقتصادی و دیگر توازنها، رابطه میزان عدل و حد میانه، رابطه میزان با قییم و امین، همسان زیستی یا محرومان و ... و آنگاه بخش دهم و بحث و بررسی از پدیده سرمایه داری. مؤلف در این بخش در ضمن دو فصل و عناوین متعدّد به آثار ویرانگر و تباهی آفرین سرمایه داری پرداخته، و جای جای در ضمن شرح و توضیح کلمات حضرت رضا - علیه السلام - حقایق بیدار کننده و تنبه آفرینی را عرضه کرده است. برخی از عناوین بخش پیامدهای سرمایه داری چنین است: رباخواری، ظلم، خیانت و استثمار، کنز و اسراف، نظام طبقاتی، انحصارطلبی و خودپرستی، ترك تعهد و مسؤولیت شناسی و ... و سرانجام در بخش یازدهم و دوازدهم با عنوان «انتظار

سامان یابی زندگی» و «کرامت انسان و حقوق او» مطالب شایان توجهی عرضه شده است.

مقدمه مؤلف بسیار هوشمندانه و برخاسته از نگرشی دقیق به جایگاه قرآن و سنت است. در این مقدمه معیارهای کلی اقتصادی و چندی و چونی آن به دقت تبیین شده و چگونگی بهره گیری و بهره رسانی آن توضیح داده شده است؛ نمونه را بنگرید:

قرآن و پیامبر «ص» و امامان معصوم «ع» - چنانکه در اصل پیشین یاد شد - راه حلهایی کلی و خط مشیها و جهتگیریهای اصولی ارائه داده اند، و جریان کلی سیر مال و گردش کالا و بهره برداری از منابع طبیعی و شرایط و امکانات را به طور عادلانه میان انسانها تبیین و ترسیم کرده اند، به گونه ای که تأویل و توجیه پذیر نیست و برای صاحب نظران ژرف بین و آشنا با کلیات احکام در ارتباط با مسائل نوپیدای زمان، نقطه ابهام و تردیدی باقی نمی گذارد. در این کتاب، اینگونه اصول و مبانی و خط مشیهای کلی، بر اساس آیات و احادیث فراوان آمده است.

قلمرو کار و مسئولیت قانونگذاران و مدیران و برنامه ریزان اجتماعی، نخست شناخت اصول و مبانی است، سپس حرکت در راستای آن جهت گیریها و خط مشیها. و این کار در طول تاریخ بر عهده تجربه و علم و پیشرفت اجتماعات انسانی نهاده شده است، تا مصادیق و افراد و راههای نزدیکتر و مناسبتری برای پیاده کردن یک حکم یا اصل را بیابند و عرضه کنند.

برای مثال: اگر بنابر اصول، استفاده از نان و گوشت و ویتامینها برای همگان ضروری تشخیص داده شد، باید نگرینست که نان و پروتئین و انواع ویتامینهای لازم، از چه راه و با چه شیوه و متد علمی و تجربی به دست می آید؛ و با چه شیوه ای می توان آنها را توزیع کرد، تا به همگان برسد. اینها بر عهده خود اجتماعات و افراد و علوم و تجربه و مدیریتهای و نظامها و برنامه ریزیهای درست است، که ممکن است در هر دوره و زمان و مکانی، معیارها و شیوه ها و فن و تکنیک آن دگرگون شود، و در اثر پیشرفت علم و تجربه راهها و روشهای بهتری برای دستیابی به مواد لازم و آماده سازی آنها کشف گردد. و این کار به تجربه مربوط است.

رسالت حوزه ها نیز در تبیین و عرضه درست مکتب الهی

و معارف آفتابگون اهل بیت به درستی و دقت نموده شده است؛  
باز هم نمونه را بنگرید:

اکنون و در این دوره و با این مسئولیت عظیم که متوجه همه حوزه های اسلامی و اسلامشناسی است. دردناک اینست که این دین و آئین (دین عدل و آیین قسط)، نادرست تفسیر شود، و بسته ذهنی و بیخبری از مسائل زمان و کج فهمی، در سر راه شناخت و عرضه درست اسلامی مانع ایجاد کند، و دین حامی مستضعفان، سنگر مترفان و تکاثر طلبان معرفی گردد. و در این صورت است که رهبران دین خدا را خشمگین کرده ام. امام صادق (ع) می فرماید: «والله ما الناصب لنا حرباً بأشد علينا مؤونة من الناطق علينا بما نكره. — به خدا سوگند آن کسی که در برابر ما به جنگ برخاسته است، بر ما دشوارتر از کسی نیست که درباره (مکتب و تعالیم ما) سخنی بگوید که مورد رضای ما (و از مکتب ما) نیست.»

امام رضا (ع) می فرماید: رَحِمَ اللهُ عَبْدًا أَحَبَّ أَمْرَنَا. فَقُلْتُ لَهُ: وَ كَيْفَ يُحِبُّ أَمْرَكُمْ؟ قَالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ. فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبْعُونَا. — خدا بیامرزد کسی را که امر ما را زنده کند. گفتیم: چگونه امر شما را زنده می کند؟ فرمود: علوم ما را می آموزد و به مردمان تعلیم می دهد، همانا اگر مردم تعالیم زیبای ما را دریابند از ما پیروی کنند (نه از غیر ما)، یعنی به راه درست «صراط مستقیم» در می آیند، و به سعادت هر دو جهان می رسند.

و همین است که امام عصر حضرت حجة بن الحسن المهدی (ع) نیز موضوع پشت کردن به عدالت و توجه به مال و نکاثر را مانع از رسیدن مردم به حضور ایشان و طلوع آن نیر اعظم خوانده است. در پاسخ به سخنان علی بن مهزیار اهوازی می فرماید: «... و لکنکم کثرتم الأموال، و تحیرتم علی ضُعفاء المؤمنین...» این شماست که به سرمایه داری و انباشتن اموال روی آورده اید، و مستضعفان را (به دلیل فقر و پریشانی) از راه بدر کردید.»

مطالعه، دقت و درنگریستن در مطالب این اثر ارجمند را که بارقه ای است از پرتو انوار رضوی به جستجوگران معارف اسلام ناب محمدی توصیه می کنیم و امیدواریم خوانندگان قبل از نگرستن به متن آن، مقدمه را به دقت بخوانند.

## دین و سیاست در دوره صفوی

رسول جعفریان. (قم)،  
انتشارات انصاریان،  
۱۳۷۰. ۴۸۰ ص، وزیری.  
دین و سیاست و ارتباط آن دو  
با هم در تاریخ اسلامی و  
ایران جایگاه ویژه ای دارد.  
آنچه یاد شد در دوران  
صفویان به جهات گونه گون  
و به لحاظ اهمیتی که روشن  
شدن چگونگی آن برای ما  
دارد، از اهمیت ویژه ای

### دین و سیاست

دوره صفوی

رسول جعفریان

۱۳۷۰

بزرگوار است. کتاب یادشده شامل گفتارهایی است که هر کدام از زاویه ای به موقعیت دین در دوره صفوی پرداخته و چگونگی ارتباط آن را با سیاست نموده است. اولین گفتار، مباحثی فقهی مشارکت عالمان را در دولت صفوی به بحث گذاشته است. در این گفتار گوشه ای از دیدگاههای فقیهان متقدم و متأخر شیعه درباره حکومت گزارش شده و توجیهات فقهی همکاری از دیدگاه آنان بررسی شده است. ارتباط دین و دولت در عصر صفویان از دیدگاه ناظران خارجی و نقش عالمان در ساختار سیاسی جامعه در گفتار بعدی مورد ارزیابی قرار گرفته است و فهرستی از مشاغل اداری علما مانند: صدارت شیخ الاسلامی، قضاوت و... با توجه و استناد به مصادر دست اول صفویان آمده است.

نماز جمعه در دوران صفویان به دلایلی اهمیت ویژه ای یافت؛ و فقیهان آن روزگار دهها رساله مستقل در چگونگی حکم فقهی آن نگاشتند. مؤلف در گفتاری به تفصیل از زمینه های فکری و سیاسی موجود در رساله ها بحث کرده و با گزارشی از رساله ها، نسخه های خطی آنها را در حد امکان نشان داده است. چگونگی تدوین فقه سیاسی در این دوره، موضوع گفتار بعدی است که در ضمن آن به رساله های «خراجیه»، «روضه الانوار» محقق سبزواری و «آئینه شاهی» ملا محسن فیض کاشانی و... پرداخته شده است. رویارویی فقیهان و صوفیان، در عصر صفویان، و فیض و تصوف، موضوع دو گفتار بعدی است. مؤلف در این دو بخش برخی از رساله های ناشناخته درباره این تقابل را شناسانده و موضع فیض را در مقابل تصوف، تبیین کرده است.

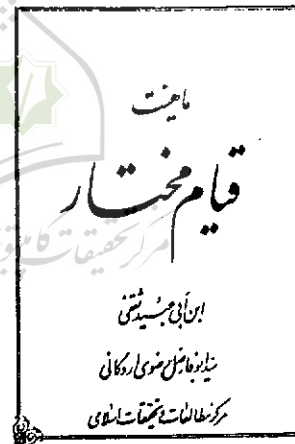
یادی از مواضع علما در برابر مبلغان مسیحی در عصر صفوی»، «انتقاد از وضعیت دینی جامعه عصر صفوی» «انتقاد از دانشوران عصر صفوی» «تعارضات فرقه ای در دوره صفوی» و کتابی ناشناخته از ابن روزبهان درباره امامان اثنی عشر، گفتارهای دیگر این مجموعه است. در آخرین صفحات کتاب بیش از بیست و پنج فرمان از فرامین دینی شاهان صفوی گردآوری شده که در جهت شناخت ارتباط دین و سیاست در دوران صفویان سودمند تواند بود. فهرست منابع در پایان کتاب آمده است، این فهرست از آن جهت که بیش از سی عنوان آن خطی است برای پژوهشگران کارآمد خواهد بود. پایان بخش کتاب فهرست اعلام آن است.

کتاب بر روی هم خواندنی و سودمند است. و در موضوع خود به لحاظ عرضه متون ناشناخته و منابعی دست اول توان گفت کم نظیر است.

### ماهیت قیام مختار

سید ابوالفضل رضوی  
اردکائی. (مرکز مطالعات و  
تحقیقات اسلامی، دفتر  
تبلیغات اسلامی حوزه علمیه  
قم، ۱۳۷۰). ۶۶۸ ص،  
وزیری.

مختار چهره بلند تشیع  
و شمشیر آخته آل  
پیامبر بود. قلب او از  
ستمهایی که  
شمشیرهای جباران بر



عترت مطهر روا داشته بودند، گداخته بود. او برای دست یافتن به حکومت، سختکوشانه تلاش کرد؛ اما نه برای رسیدن به قدرت کاذب بلکه برای خونخواهی آل البیت و انتقام از سفاکان خون ریز.

آنچه آمد گوشه ای از داوری محقق، فقیه و مورخ ژرفنگر، حضرت باقر شریف قرشی است. وی پس از این جملات اتهامات وارد شده بر ساحت پاک مختار را واهی دانسته و آرزو می کند در جهت زدودن ابهام از چهره پرشکوه و خونین این مجاهد بزرگوار، تحقیقی بنیادین پی افکند. آلوده سازی چهره های منور تاریخ، و قلّه های افراشته انسانیت برای جلوگیری از چونان آنان شدن، قصه پر غصه و

خاطره اندوه بار همواره نسلها و عصرهاست، و مختار نیز یکی از آنها.

از این روی همت جناب رضوی اردکائی ستودنی است که برای نمودن چهره راستین مختار، دوسال به جد کوشیده و حاصل پژوهش وسیع خود را در هیئت این کتاب عرضه کرده است.

کتاب با مقدمه ای در تبیین انگیزه مؤلف در تدوین این کتاب آغاز می شود و آنگاه با فصل اول در گزارش زندگانی شخصی مختار: نام، نسب، و ویژگیهای اخلاقی و اجتماعی ادامه می یابد. مؤلف در فصل دوم، شخصیت مختار را از منظر اهل البیت - علیهم السلام - و عالمان و مورخان و محدثان بزرگ به بررسی نهاده و چهره واقعی او را ترسیم کرده است. در فصل سوم تهمتهای ناروایی که در متون تاریخی به مختار نسبت داده شده، به دایره نقد ریخته و با تحقیق و تتبع وسیع بی پایگی آنها را نمایانده است. فصل چهارم ویژه بررسی روابط محمد بن حنیفه با مختار است که در ضمن آن به چرایی عدم شرکت محمد بن حنیفه در کربلا، اتهام اعتقاد مختار به امامت وی، نقش او در قیام مختار و ... رسیدگی شده است. فصل پنجم عهده دار بررسی زمینه ها و فلسفه قیام مختار است، و در فصل ششم در ضمن عناوینی چون: مختار مدافع اهل بیت - علیهم السلام، مختار در زندان، مختار در کنار مسلم، مختار و ابن زبیر و ... به کند و کاو در مقدمات قیام مختار پرداخته است. در فصل هفتم حوادث قبل از قیام گزارش شده است. در این فصل در ضمن چهاربخش با عناوین: مختار در کوفه، تغییر کادر سیاسی کوفه، دعوت برای قیام، نقش ابراهیم اشتر در شکل گیری قیام مطالب مهمی آمده است. در فصل هشتم با عنوان قیام، به چگونگی اعلام نبرد، اهداف اولیه قیام، چگونگی درگیری، روند جنگ، شعارها و ... رسیدگی شده است. فصل نهم با عنوان پیروزی قیام، به چگونگی تسخیر کوفه، مراسم بیعت، تقسیم بیت المال، تشکیل حکومت، نصب استانداران و فرمانداران پرداخته و در بخش سوم این فصل، به جبهه معارضین مختار اشاره شده است و چگونگی برخورد آنها با مختار بحث شده است. در فصل دهم از شورش در کوفه سخن به میان آمده است و تحركات مخالفان مختار و توطئه تشکل آنان گزارش شده و چگونگی و فرجام این شورش مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل یازدهم به تفصیل از انتقام مختار از قاتلان آل البیت و فسادگران بنی امیه سخن به میان آمده، و در فصل یازدهم با عنوان: مرحله دوم قیام،

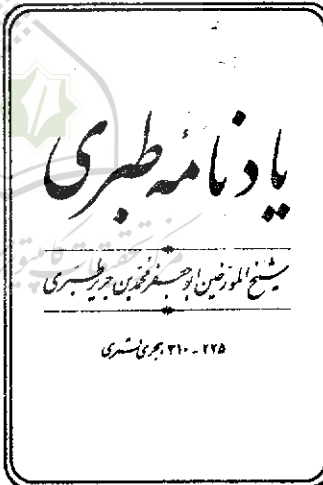
درگیری نیروهای مختار با حکومت شام و چیرگی آنان بر این زیاد و چگونگی شکست وی و قتل ابن زیاد بررسی شده و به تفصیل از آن سخن رفته است. در فصل سیزدهم درگیری مختار با عبدالله بن زبیر و چگونگی آن گزارش شده و در فصل چهاردهم با گزارش چگونگی جنگ مصعب و مختار، با عنوان پایان کار و در ضمن آن با عنوان جنگ مصعب و مختار، قتل مشکوک ... و شهادت مختار، کتاب پایان یافته است.

کتاب ماهیت مختار، قطعاً اولین اثری است که به این گستردگی به مسأله قیام مختار رسیدگی کرده است. مؤلف در این پژوهش منابع بسیاری را در نور دیده و با ارزیابی نقد دقیق متون بسیاری، حقایق سودمندی را عرضه کرده است.

کتاب به فهارس فنی نیازمند است. امید است چاپهای بعدی آن پیراسته تر و با زیباییهای جلیبی عرضه شود، و در نشان دادن چهره اصیل آن قهرمان بزرگ توفیقی بیشتر به دست آید.

### یادنامه طبری (مجموعه مقالات)

مرکز تحقیقات علمی کشور،  
وزارت فرهنگ و آموزش  
عالی. (تهران، سازمان  
چاپ و انتشارات وزارت  
فرهنگ و ارشاد اسلامی،  
۱۳۷۰). ۷۵۳ص، وزیری.  
مرکز تحقیقات علمی  
کشور، در سال ۱۳۶۹، به  
مناسبت بزرگداشت یکهزار  
و یکصدمین سالگرد  
درگذشت ابو جعفر محمد بن



۲۱۰-۲۱۵ ج۱، ج۲

جریر طبری، چهره نامور تاریخ و فقه و تفسیر، سمیناری تدارک دید که در آن محققان و پژوهشگران در ابعاد مختلف زندگانی و اندیشه او به بحث و کاوش پرداختند و این کتاب مجموعه ای است از مقاله ها و سخنرانیهای ارائه شده در آن سمینار، که در چهار بخش تنظیم شده است:

۱) **زندگی نامه و آثار:** در این بخش دو مقاله آمده است؛ مقاله اول به قلم آقای سید محمد باقر حجتی است که نگرشی تفصیلی، مستند و دقیق به زندگانی و آثار طبری به ویژه تفسیر وی دارد، و دوم به قلم آقای سید محمد میردامادی است که در آن نگاهی دارد به زندگانی و آثار طبری با تأکید بر چگونگی شیوه تاریخ نگاری او.

### ۲) فقه و تفسیر: در این بخش، هفت مقاله آمده است.

مقالات این بخش با مقاله بلند و عمیق جناب آقای جوادی آملی آغاز می شود با عنوان ادب نقد. وی پس از تأکید بر چگونگی نقد آراء، به شیوه تفسیر نگاری طبری پرداخته و به تفصیل از معرفت خدای سبحان، معرفت وحی و رسالت، معرفت امامت در تفسیر طبری سخن گفته و آنگاه به معرفت مسائل فقهی در تفسیر طبری پرداخته است. نگرش استاد به مسائل یادشده نقادانه است. وی آراء منعکس شده در **جامع البیان** را به دایره نقد ریخته و سره را از ناسره باز شناسانده است. پس از آن، مقاله آغاز وحی و بعثت پیامبر (ص) در تاریخ و تفسیر طبری است به قلم آقای علی دوانی. وی در این مقاله به گونه ای دقیق و پژوهشگرانه احادیث آغاز وحی را به نقد کشیده و نشان داده است که این احادیث - که بعضاً به منابع شیعی نیز راه یافته است - به هیچ روی استوار نیستند.

مقاله تفسیر طبری در نقد و بررسی نیز از مقالات خواندنی و سودمند این بخش است. در بقیه مقالات این بخش، از آیات احکام در تفسیر طبری، روش تفسیر طبری، ترجمه آیات تفسیر طبری و ابوالفتوح رازی و طبری و ابوالفتوح سخن رفته است.

۳) **تاریخ و اسطوره:** این بخش با هشت مقاله، بیشتر به جایگاه تاریخی طبری و شیوه تاریخ نگاری وی پرداخته است. مقاله اول آن با عنوان مکتب تاریخ نگاری طبری می کوشد تا با نگاهی به پیشینه تاریخ نگاری اسلامی جایگاه طبری را در این جریان روشن کند. در دو مقاله اسطوره در تاریخ، و دوره اساطیری ایران در تاریخ طبری، مؤلفان کوشیده اند ضمن باز شناسی اسطوره و نقش آن در تاریخ، چگونگی آن را در تاریخ طبری باز گویند.

در دیگر مقالات با عناوین: نقش تاریخ در تفسیر طبری، جایگاه طبری در تاریخ نگاری، تاریخ نگاری و مذهب ظاهری، طبری و سلفیگری، ری در زمان طبری، بحثهای جالب و سودمندی درباره تاریخ طبری و نقش وی در تاریخ نگاری اسلامی و چگونگی نگرش او به تاریخ آمده است.

۴) **زبان و ادب:** در این بخش دوازده مقاله آمده است. در مجموعه این مقالات از اهمیت ترجمه تاریخ طبری، نسخه های آن، نکات دستوری و واژگانی در ترجمه و تفسیر طبری، زبان ترجمه در ترجمه تفسیر طبری، تأثیر ترجمه تفسیر در حفظ و گسترش زبان فارسی، جنبه های ادبی ترجمه تفسیر طبری، و نکته های بلاغی در تفسیر طبری سخن رفته است. مقالات غالباً محققانه، تازه و سودمند و ارزشمندند. حروف چینی،

چاپ و صحافی کتاب نیز چشم نواز، دقیق و جالب است. اما با این حال نکاتی یادکردنی است:

(۱) کتاب، تنها فهرست عناوین مقالات را دارد و از فهرست تفصیلی موضوعات و نیز فهرس فنی دیگر تهی است. این نقص بزرگ کتاب است؛ به مثل خواننده از عنوان «ادب نقد»، که هیچ گونه گویایی نسبت به محتوی مقاله ندارد، چه چیزی را درمی یابد؟

(۲) سالها پیش که اولین چاپ آنچه اینک به نام «ترجمه تفسیر طبری» معروف است، نشر یافت، یکی از استادان، ضمن نقد و بررسی آن یادآور شدند که این ترجمه ربطی به تفسیر طبری ندارد؛ نهایت چیزی که توان گفت این است که تفسیر طبری نیز در نگارش آن در پیشدید مترجمان بوده است؛ (مجله سخن، سال یازدهم، ۱۲۰۹). این بنده نیز به هنگام نگارش مقاله ای درباره چگونگی تفسیر طبری به تفصیل بخشهای مختلف آن دو را مقایسه کردم و دریافتم که اظهار نظر آن استاد، کاملاً صائب است؛ (مجله حوزه، شماره ۲۴، ص ۵۳، شماره ۲۵، ص ۸۴، پاورقی شماره ۱۱). این ترجمه تا بدانجا که به عنوان یک اثر ادبی مورد توجه قرار می گیرد و ارزیابی می شود و از آن بهره برده می شود، خوب است و شایسته، ولی باید دانست که آنچه از آراء در آن آمده است از آن طبری نبوده است و نباید به او نسبت داده شود، به مثل طبری ذبیح را در داستان حضرت ابراهیم اسحاق می داند، (جامع البیان، جزء ۲۳، ص ۵۸) در حالی که در آنچه به ترجمه تفسیر طبری معروف است، ذبیح اسماعیل شناخته شده است و نه اسحاق، که درست هم همین است، (ج ۶، ص ۱۵۳۳). در مجموعه مقالات این کتاب به این نکته هیچ اشاره ای نشده و همه جا آن ترجمه به طبری نسبت داده شده است.

(۳) برخی از مقالات آن تکراری است. با این همه، این مجموعه بهترین اثر عالمانه و محققانه است که درباره طبری منتشر می شود.

سعی تلاشگران تدوین و نشر آن مشكور باد.

### شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق

محمدتقی فلسفی. (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

۱۳۷۰). ج ۱، ص ۵۴۳، وزیری.

صحیفه سجّادیه که به «زبور آل محمد» و «انجیل اهل بیت» مشهور است، یکی از بزرگترین، مهمترین، محکمترین و ژرفترین منابع فرهنگ اسلامی است. مجموعه آنچه که با یک

سند و با عنوان «صحیفه سجّادیه اکنون در دست عاشقان حق و جستجوگران معارف اسلامی است بخشی از دعاهای سیدالسّاجدین و زین العابدین را تشکیل می دهد. این مجموعه، زمره های «زیباترین روح پرستنده ای» است که در اوج رذلت و جلاقت و جهل گستری

ستمبارگان دیوخوی و تاریکترین روزگار حاکمان جبار، چونان مشعلی فروزان در معبر تاریخ نهاده شد تا هر روان مقصد اعلی و پویندگان مقصود و الا را رهنمون باشد.

صحیفه در طول قرن‌ها، همانند خورشیدی فروزان بر اندیشه ها تابیده و قلمها و شخصیت‌های بسیاری را متوجه خود ساخته است. صحیفه را عالمان بسیاری شرح کرده اند و متفکرانی بزرگ، حاشیه زده یا بر آن تعلیق نگاشته اند (ر. ک: الذریعه، ج ۱۴، ص ۲۳ و ۱۷). از جمله دعاهای مهم و گرانقدر این مجموعه، دعای بیستم آن است با عنوان «مکارم الاخلاق». جملات کوتاه، سازنده و تنه آفرین این دعا بسیار آموزنده و تحول آفرین است؛ به گفته استاد شهید مرتضی مطهری: «برای معرفی مکتب اخلاقی اسلام یکی از بهترین نمونه ها دعای مکارم الاخلاق است» (فلسفه اخلاق، ص ۲۰). استاد با سوز و گداز شگفتی آرزوی ترجمه و شرح این دعا را می نموده است، و از وجود مقدس حضرت سجّاد توفیق شرح آن را می طلبیده است (همان). اینک جای سپاسگزاری است که این دعا به همت خطیب توانا، دانشور گرامی جناب آقای محمدتقی فلسفی، شرح و تفسیر شده است. محتوای کتاب ابتدا در حوزه علمیه قم برای طلاب و آنگاه در جلسات متعددی در تهران مورد بحث قرار گرفته، و سپس از نوار پیاده شده است. مطالب نوارها به وسیله معظم له به گستردگی بازنویسی شده و اکنون در سه بخش در حال تدوین است که بخش اول آن منتشر شده است.

بخش اول دارای سی فصل است، که در هر فصل یک جمله از دعا ترجمه و شرح شده است. نثر کتاب روان و شرح و توضیح جملات دعا با استناد به آیات و روایات و در مناسبت‌ها با حوادث تاریخی آمیخته شده و کتابی در مجموع خواندنی و سودمند از کار درآمده است.

تاریخی است که بی گمان در اثری از این دست که در جهت هدایت انسانها تدوین می شود، بسیار سودمند و کارآمد خواهد بود. امید است مجلدات دیگر کتاب نیز به زودی منتشر شود و تشنگان معارف اهل البیت را سودمند افتد.

### قبض و بسط تئوریک شریعت

عبدالکریم سروش. (نهران)،  
مؤسسه فرهنگی صراط،  
۱۳۷۰. ۳۴۹ص، وزیری.

معرفت دینی چگونه معرفتی است؟ این معرفت در گذرگاه زمان و در کشاکش اندیشه ها، جریانها و دیگرسانی واقعیتها، بینشها و گرایشها، چه سان است؛ یکسان می ماند؟ فریبی می گیرد؟ به سوی لاغری می رود؟ دین جاودانه که حله

قبض و بسط تئوریک شریعت

عبدالکریم سروش



ابدیت بر تن دارد، با تغییرها و تبدیلیهای زندگی چه سان کنار می آید؟ اگر معرفت دینی رشد می کند و تکامل می یابد این رشد و تکامل در سایه چیست؟ معرفت‌های بشری با معرفت دینی چه رابطه ای دارند؟ تحول و دگرگونی در معرفت بشری؛ به مثل دیگرسانیها در نظامهای حقوقی، فلسفی، کلامی، سیاسی، اجتماعی و... چه تأثیری در معرفت دینی دارند؟ دین مداران و پاسداران معرفت دینی با این همه چه سان باید برخورد کنند؟ آیا دین همان فهم ما از دین است؟ یا فهم ما از دین، با دین تفاوت دارد؟ اجتهاد و عرصه های آن و جایگاهش در بازیابی معرفت دینی چگونه است؟

اینها و جز اینها، سؤالاتی است که محییان و هوشمندان همواره با آن روبرو بوده اند، و برای پاسخگویی بدانها تلاش کرده و آثاری پدید آورده اند. اینک نیز یکی از وظایف جدی اندیشوران پاسخگویی و پرداختن جدی و دقیق و کارآمد به این مجموعه است.

مقالات قبض و بسط تئوریک شریعت به مدت دو سال از اردیبهشت ۱۳۶۷ تا خرداد ۱۳۶۹ در گرامی نامه کیهان فرهنگی برای پی جویی از آنچه یاد شد به قلم آمد و با ظهورش مخالفت و موافقت‌های بسیاری برانگیخت. ادامه مقالات با تعطیلی کیهان فرهنگی به عهده تعویق افتاد. اکنون مجموعه آن مقالات به همراه پیراسته پنج درس با عنوان کلام جدید با

در فصل اول از مشروعیت دعا، جایگاه ذکر صلوات، درخواست ایمان کامل، معنای دقیق ایمان سخن رفته است و در فصل دوم از فرق بین اسلام و ایمان و درجات ایمان بحث شده است. نیت، چگونگی آن و ارزش و جایگاه آن، عمل، درجات آن، انطباق سخن با عمل، اخلاص در عمل، بهترین عمل، دشواری حفظ عمل، تکمیل نیت، تصحیح یقین، درخواست اصلاح نفس، منزلت یقین، نشانه ها و آفات آن در فصلهای بعدی بازشناسی شده است. غنا و فقر از دیدگاه اسلام، وسعت رزق، بی اعتنایی به ثروت مال اندوزان، فقر مذموم، فقر ممدوح، غنای مذموم غنای ممدوح، غنای نفس، بشر و فزون طلبی، بی نیازی نفس، ابوذر و غنای طبع، تقبیح مال اندوزان، عناوینی هستند که در شرح و تفسیر جمله «و اغننی و أوسع علی فی رزقک ولا تستنی بالنظر» بحث شده است.

عزت نفس، ناسازگاری عزت با تکبر، لزوم عزت، خطرات آن، سجایای عزیزالنفس، خودبزرگ بینی و رفعت متواضع، به همراه عناوینی دیگر در شرح جمله «و اعزنی ولا تستکینی بالکبر» با آمیزه ای از حقایق تاریخی و نگاهی به واقعیت‌های تلخ و شیرین زندگانی تهیدستان بلندنظر و عزت فروشان زشت نگر و... آمده است که بسیار جذاب و دلکش است. در ضمن فصلی دیگر از جایگاه «مدارا» و چگونگی آن در روایات و عینیت زندگانی پیامبران و رهبران الهی سخن رفته است و از زندگانی تنبه آفرین و دشواریهای شکننده حیات امامان ع- در سایه حکومت تاریک جباران بحث شده و چگونگی موضع آن یزرگواران تبیین گشته است که سودمند است و خواندنی. امام ع- در بخشی از دعا از خداوند چنین خواسته اند: «واجعلنی یداً علی من ظلمنی و لساناً علی من خاصمتنی و ظفراً علی من عاندنی» به مناسبت شرح این جمله که - درخواست قدرت در ظلم ستیزی، و درگیر با دشمن و پیروزمند بر جباران است - با زمینه سازی مناسبی، بحث‌های جالبی درباره معنای صبر، موارد آن، ظلم ستیزی و استفاده از امکانات و بهره وری از موضعها برای زدایش ظلم و درگیری با ظالمان، مبارزه منطقی و فرهنگی با ستم گری معنای دقیق «جدال احسن» با عرضه واقعیت‌هایی از زندگانی پیشوایان الهی آمده است.

نگاهی گذرا و گلگشتی کوتاه در این کتاب نیز نیازمند مقالتی درازدامن است. از جمله برجستگیهای آن آمیختگی گسترده مباحث کتاب با آیات و روایات و نمونه های عینی

مقدمه‌ای در چگونگی محتوای کتاب و سیر بحث و تبیین و جهت‌گیری آن یکجا عرضه شده است. مؤلف در این مقدمه از جمله نوشته‌اند:

آشتی دادن میان ابدیت و تغییر، مقدس و نامقدس، تفکیک میان ثابت و متغیر و ظرف و مظهر، و زنده کردن اجتهاد، و یافتن فقیهان متهور، و تحوّل بخشیدن به فقه، و حفظ روح و تغییر صورت، و آشنا کردن اسلام و عصر، و بنا کردن کلامی جدید، که خواسته عموم مصلحان دین بوده است، محتاج یک نظریه معرفت‌شناختی است که از آثار آنان غایب است و این همان است که قبض و بسط تئوریک شریعت فروتنانه در اختیار آنان می‌نهد. حلقه مفقوده مساعی آنان، گویی همین بود که هیچ‌جا میان دین و معرفت دینی فرق نمی‌نهادند و معرفت دینی را معرفتی بشری، همچون دیگر معارف نمی‌دیدند، و همین موجب می‌شد تا گاه در داوری هاشان تعارض افتد و یا حل مطلوب از چنگشان بگریزد.

و آنگاه پس از توضیحاتی در محتوا و روند بحث آورده‌اند:

راز همه اینها را قبض و بسط تئوریک شریعت بدست می‌دهد و با فرق افکندن میان دین و معرفت دینی و بشری دانستن این معرفت، و متحوّل دیدن فهم ما از دین به تبع تحوّل دیگر معارف بشری، فهم همه آنها را آسان می‌کند و معلوم می‌شود که این معلومات و حاجات نوین عصراند، که هم تهوربخش فقیه‌اند و هم مامای مام حامله شریعت و هم دمنده روح یونانی در پیکر فهم دینی. و نیز آشکار می‌شود که آن معرفت دینی است که رنگ فرهنگها را به خود می‌گیرد و بوی عرب یا عجم می‌دهد و محتاج پالایش و محکوم تحوّل است نه دین، و محییان که دین‌شناسان مشفق‌اند، فهمی از دین را بجای فهم دیگر از آن می‌نهند (نه اینکه بجای دین، سخنان خود را بگذارند) و با قبول جاودانی بودن کتاب و سنت، معرفت ما را نسبت به آن تازه‌تر و کامل‌تر می‌سازند و آنکه ثابت می‌ماند دین است و آنکه تغییر می‌کند معرفت دینی است. و چنین است که ابدیت و تغییر آشتی می‌کنند و زمین و آسمان به مهربانی در کنار هم می‌نشینند و دین ثابت و جاودانی، معرفت متغیر و متکامل می‌زایاند.

در درسهایی یادشده، درسهای اول و دوم عهده‌دار بحث از علم کلام، موضوع آن، وظیفه متکلمان، کلام جدید و شاخه‌های آن، تقسیم علوم به مصرف‌کننده و تولیدکننده و نمونه‌هایی از آن هستند. و در درس سوم معنای دقیق «فهم عمیق‌تر» و «فهم ما از همه چیز در تحوّل است» را به بحث نهاده، و درسهای واپسین به عوامل فهم عمیق، عوامل مختلف در تحوّل فهم، و تأثیر و تأثرهای معرفت‌پیشینی بر معرفت پسینی و... پرداخته است.

مقالات «قبض و بسط» به طور گسترده به کند و کاو آنچه در آغاز این یادداشت آمده است می‌پردازد، و در رسیدن به مقصود به بسیاری از مسائل کلامی، فلسفی و حقوقی به عنوان ارائه نمونه و برای بازیابی بیشتر مطلوب رسیدگی می‌کند و تأثیر معرفتهای پیشینی را در آگاهیهای پسینی باز می‌کند، و از تأثیر تئوریهای علمی، فلسفی در فهم مفردات شریعت سخن می‌گوید، و آنگاه از صفحه ۲۲۲ به بعد با عنوان «نقدها را بود آیا که عیاری گیرند» به نقد برخی از مقالاتی که در نقد مقالات قبض و بسط نگاشته شده بود می‌پردازد و آنگاه در سه فصل پایانی کتاب به تفصیل از موانع فهم نظریه تکامل معرفت دینی بحث می‌کند.

مقالات «قبض و بسط» حرکت میمونی را به وجود آورد. نقدها و ایرادها، موافقتها و مخالفتها گو اینکه گاه از شیوه‌های سالم نقدنویسی فراتر رفته و متأسفانه بنان بیان را به مطالب و مسائل ناشایسته آلوده بودند، اما در مجموع سودمند بود و تحوّل آفرین.

اکنون که این مجموعه به گونه کتاب و یکجا عرضه می‌شود، خوبست دانشی مردان و آگاهان در نقد بررسی اصل «تئوری قبض و بسط شریعت» و نمونه‌های ارائه شده آن و دیگر مسائل مربوط به آن سرسوز و به انگیزه رشد حق و تعالی فهم دینی بنویسند و بگویند. بی‌گمان بحث و فحص در فضایی آکنده از عطر دل‌انگیز تحقیق و دانایی ثمربخش‌تر خواهد بود از آلوده ساختن میدان دانش به تاخت و تازهای ناشایست. به هر انگیزه که گو باش. و توفیق از خداوند است.

### الشیعة والدولة القومية فی العراق

حسن العلوی. (قم، دار الثقافة للطباعة والنشر، ۱۴۱۲).

۴۰۰ص، رقمی.

سلسله رژیمهای حاکم بر عراق از سال ۱۹۲۱ میلادی تاکنون. اعم از رژیم سلطنتی و جمهوری. همگی در یک سیاست کلی



است، بررسی و تحلیل می‌کند و سپس به انحصارطلبی در نهادهای اساسی حکومت یعنی ارتش، پارلمان، هیئت دولت و غیره پرداخته است.

در فصول هفتم و هشتم و نهم به موقعیت شیعه پس از سرنگونی رژیم سلطنتی در سال ۱۹۵۸ میلادی توسط سرهنگ عبدالکریم قاسم پرداخته و تشکیل رژیم جمهوری و نقش حزب کمونیست - که بسیاری از اعضا و کادرهای آن را شیعیان تشکیل می‌دادند - و فتوای آیه الله حکیم - ره - در تحریم وابستگی به آن و دیگر مسائل ناشی از کودتا را بررسی کرده است.

فصل دهم را نویسنده به انحصارگری مذهبی (طائفیت یا مذهب گرایی) اختصاص داده است. و بحث مفصلی را درباره این پدیده شوم - که دهها سال زندگی سیاسی، اجتماعی و مذهبی ملت عراق را در خشونت و شکنجه و برادرکشی فرو برده - سامان داده است.

فصل یازدهم این کتاب به بررسی و تحلیل نظریات ملک فیصل بن حسین (نخستین پادشاه عراق پس از استقلال)، مرحوم آیه الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، آیه الله حکیم، شیخ محمدرضا الشیبی (از روحانیون شیعه که در تشکیل حکومت عراق سهیم بوده و چندین بار به وزارت رسید، و چادرچی (از شخصیت‌های اهل تسنن) و محمد مهدی جواهری (از خانواده معروف صاحب جواهر و از شاعران بزرگ عرب) اختصاص دارد، و آنگاه دیدگاه‌های احزاب کمونیست و مسلمان و نیز نظریات ایرانیان درباره راههای رفع ظلم و یا تخفیف آن از اکثریت ملت و ایجاد نوعی دمکراسی واقعی را تحلیل کرده است.

در فصل دوازدهم، حسن علوی کتاب خود را با جمع بندی تراژدی ناشی از انحصارطلبی و مذهب گرایی سنیان به پایان رسانده است و در یک نتیجه گیری کلی فجایعی را که در هفتاد سال گذشته بر ملت عراق وارد شده است، فهرست وار بیان می‌کند.

این کتاب نخستین بار در سال ۱۹۸۹ میلادی در پاریس و برای دومین بار در سال ۱۹۹۰ در ۴۰۰ صفحه توسط دارالزوراء در لندن به چاپ رسید. و اینک سومین چاپ آن به صورت اگست توسط دارالثقافه در قم تجدید چاپ شده است.

میں العاری

## الشیعة والدولة القومية

فی العراق

۱۹۷۹ - ۱۹۷۵

در جهت تضعیف تشیع و شیعیان و دور نمودن آنان از مراکز حساس تصمیم گیری سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی حرکت می‌کرده اند و در اجرای این سیاست تا حد جنگ مسلحانه بر علیه عشایر جنوب و مرکز عراق و سرکوب خونین آنان و اعدام صدها نفر از علما و دانشمندان و متفکران و نویسندگان شیعه و انهدام مراکز

فرهنگی و حوزه های علمیه آنان و اخراج صدها هزار شیعه به بهانه های واهی پیش زفته اند. قیام اخیر مردم عراق و خشونت در سرکوب آنان نمونه بارز همین سیاست است که در سالهای قبل با شکلهای مختلف اجرا شده است.

کتاب الشیعة والدولة القومية فی العراق اثر روزنامه نگار و

نویسنده عراقی حسن العلوی است که پیش از آنکه در سال ۱۹۷۹ از عراق بگریزد و در لندن به صفوف مخالفان پیوندد، خود سالها با قلم و اندیشه اش همان سیاست را دنبال می‌کرده است و مسؤولیت‌های مهمی از قبیل ریاست خبرگزاری عراق و سردبیری مجله الف باء (پرتیراژترین هفته نامه عراق) و غیره را داشته است.

او از دوستان نزدیک احمد حسن البکر و صدام حسین و دیگر رهبران کودتای بعثیها در عراق بوده است. اطلاعات او دست اول و قابل توجه و تحلیلهایش از دقت و واقع نگری فراوانی برخوردار است. او در فصول دوازده گانه کتاب، سیر تاریخی - سیاسی تشکیل دولت ملی عراق را بررسی و تشریح می‌کند: در فصل اول با عنوان «فی نظریة التشیع» منشأ تشیع در صدر اسلام و موقعیت آن در میان دیگر مذاهب اسلامی را به بحث می‌گذارد. در فصل دوم و سوم از شیعیان عراق و جایگاه اجتماعی و سیاسی آنان و رهبران مذهبی‌شان در مبارزه بر علیه انگلیس سخن می‌گوید.

در فصل چهارم و پنجم، چگونگی شکل گیری دولت ملی عراق و عوامل تغییر جهت حرکت مبارزات اسلامی به هدفهای ملی و عربی، و دیدگاه رهبران مذهبی شیعه و سنی نسبت به آن را مورد بررسی قرار داده است. در فصل ششم نویسنده پایه های حکومت ملی عراق را که بر مسبنای انحصارطلبی و سنی گری متعصبانه ضد تشیع پی ریزی شده